

مفهوم مشاوره دینی

همانند غالب واژه‌هایی که در علوم انسانی استعمال می‌شود، تعریف واحد و مورد قبول همگان از مشاوره وجود ندارد^(۱) و هرکس از منظر و زاویه نگارش خویش تعریفی از مشاوره ارائه نموده و مبنای کار او در تحلیل فرایند مشاوره قرار گرفته است؛ مفهوم مشاوره دینی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با پیروزی انقلاب اسلامی و طرح علوم انسانی اسلامی، کشف نظرگاه‌های دین در هر یک از حوزه‌ها و ساحت‌های علوم انسانی، مورد اقبال جامعه ما قرار گرفت. از جمله حوزه‌ها، حوزه مشاوره و راهنمایی است. در بیشتر کتب مشاوره از دیدگاه اسلام، مشاوره دینی با آن چه در علم مطرح شده یکسان تلقی شده است، لذا به طرح آیات و روایات وارده در خصوص مشاوره و ضمیمه نمودن دیدگاه‌های صاحب‌نظران بسنده می‌شود. این رویکرد در حقیقت، خود یک برداشت و تلقی از مشاوره دینی است.

مشاوره را به لحاظ نوع سؤالات و مسائل قابل طرح در فرایند آن، به اقسامی چون مشاوره شغلی، تحصیلی و خانوادگی و دینی و غیره ... می‌توان تقسیم کرد.

مشاوره دینی نیز یکی از اقسام مشاوره می‌باشد که پاسخگوی سؤالات انسان‌ها در ارتباط با آفریننده جهان و امور دینی می‌باشد. به عنوان نمونه سؤالاتی از این دست که: چه کنیم تا از عبادت لذت ببریم؟ چه کنیم تا به هنگام عبادت توجه و حضور قلبی داشته باشیم؟ چرا باید خدا را عبادت کنیم؟ مگر خدا به عبادت ما نیازی دارد؟ و چرا هر چه عبادت می‌کنیم در رفتار روزمره ما تأثیری ندارد و ... نمونه سؤالاتی است که دانشجویان و دانش‌آموزان از صاحب‌نظران امور دینی دارند و در فرآیند مشاوره قابل طرح است.

در این دیدگاه، می‌توان ادعا کرد که نقش فرآیند مشاوره و شیوه‌ای که مراجع و مشاور باید اتخاذ کنند تفاوتی با دیگر اقسام مشاوره ندارد، البته نوع کلمات و جملاتی که مورد مبادله قرار می‌گیرد، فرق می‌کند. این که چنین ادعایی بر صواب است یا خیر، موضوعی است که در آینده بدان خواهیم پرداخت.

تلقی و برداشت دیگر این است که هر یک از نظام‌های مشاوره بر پایه مفروضات خاصی درباره انسان، نحوه تغییر رفتار، اهداف و ... استوار است و براساس این مفروضات، اصول و شیوه‌های خاصی برای مشاوره پیشنهاد می‌کنند و ویژگی‌های خاصی را برای مشاوره لازم می‌دانند. براین اساس، مشاوره دینی به معنای دیدگاه‌های دین در باب انسان، نحوه تغییر رفتار او، اصول و شیوه‌های لازم الرعایه در مشاوره و در

یک نگاه کلی نظام پیشنهادی دین برای مشاوره است.

اثبات چنین برداشتی به دو موضوع بستگی دارد، نخست این که آیا اساساً مشاوره می‌تواند امری دینی باشد یا این که مشاوره صرفاً یک نظام علمی است؟ ثانیاً، در صورت امکان مشاوره دینی، آیا قلمرو دین تا بدان حد است که این موضوع را نیز پوشش دهد؟ یا این که قلمرو دین محدودتر از این است؟ این دو موضوع، سنگ‌بنای بحث مشاوره دینی است.

مشاوره چگونه نظامی است؟

همچنانکه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و علوم تجربی از دیدگاه برخی صاحب‌نظران یک نظام علمی، است مشاوره نیز چنین است. در این دیدگاه چون مشاوره یک نظام روان‌شناختی است، ضمیمه نمودن اصول مسیحیت یا یهودیت و اسلام، هدف یا کارکرد صحیح برای مشاوره روان‌شناختی نیست و این بدان معنی است که از یک طرف، مشاوره، نظامی اسلامی، مسیحی یا یهودی نمی‌باشد و از طرف دیگر با این ادیان بزرگ الهی نیز هیچ ضدیتی ندارد.^(۲)

از سوی دیگر، با شکاف عمیق‌تر نظریه‌ها و مکاتب مشاوره، ادعای این که می‌توان از دین یک نظام مشاوره‌ای استنباط کرد، چندان گزاف به نظر نمی‌رسد، زیرا سنگ بنای همه نظریه‌های مشاوره، بسته به نگارش و طرز تلقی آنها از

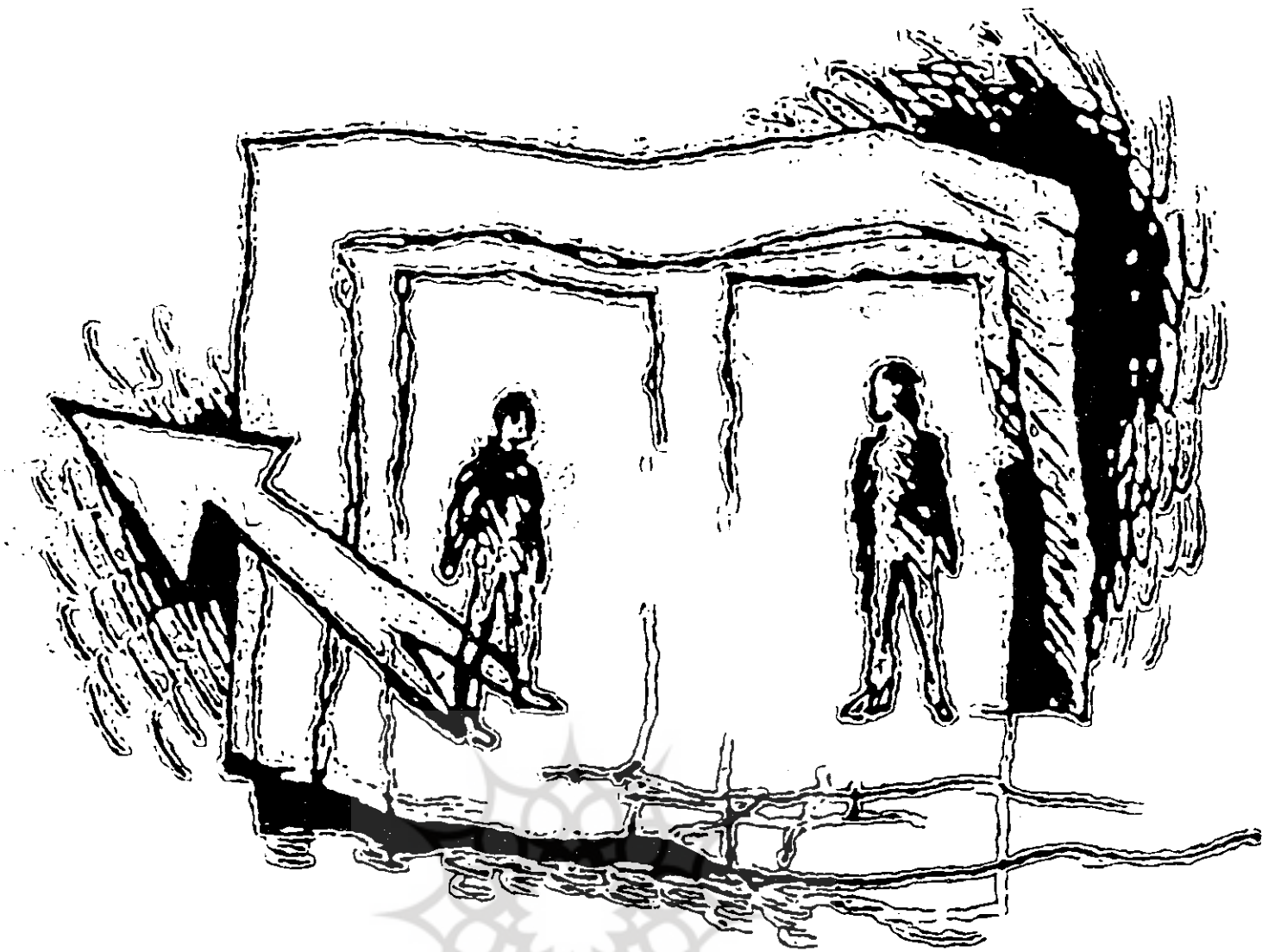
نگرشی به مفهوم

ماهیت و طبیعت انسان و نحوه تغییر رفتار او است^(۳) و بر همین اساس فرآیندهای مشاوره شکل می‌گیرد. از مباحث اساسی این

۱ - بررسی تعاریف مشاوره از نظر مشاوران اصفهان (احمدی ۱۳۵۸) روشن ساخت که آنان تعریف روشن و مورد توافقی از مشاوره نداشتند. سید احمد احمدی با مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی، ص ۱۹.

۲ - نظریه‌های مشاوره، لویس شیلینگ، ترجمه سیده خدیجه آرین، ص ۳۲.

۳ - شیلینگ در جای دیگری از نظریه‌های مشاوره می‌گوید: توجه به ماهیت و طبیعت انسان، در حقیقت اصل و قلب مشاوره و روان‌درمانی است. دیدگاه شخص مشاور در مورد ماهیت انسان، بر رویکرد کار او با مراجع تأثیر دارد. دیدگاهی که یک نظریه‌پرداز مشاور نسبت به ماهیت انسان دارد، تمام نظریه او و نیز کسانی که نظریه او را به کار می‌بندند، تحت تأثیر قرار می‌دهد، ص ۳۰.



محمد علی حاجی ده آبادی *

برخی کارکردهای مشاوره دینی

البته می توان تمایزی خاص بین نظریه و نفس عمل مشاوره ملحوظ داشت؛ یعنی، وقتی سخن از نظریه پردازی است، با توجه به نوع مطالب مطرح شده، می توان جایی برای نظام دینی لحاظ کرد.

هر چند عمل مشاوره مبتنی بر نظریه و نگرش پیش تدارک دیده شده، مفروض ما است اما فرایند آن در تمام نظریه ها روال معینی را طی می کند (معمولاً از سه فرآیند مشاور محوری، مراجع محوری و مختلط سخن گفته می شود). با این وجود، نوع ظرافت ها و شیوه های برخوردی که مشاور باید داشته باشد و مورد توصیه دین واقع شده، به قدری

نظریه ها، بررسی میزان نقش انسان در برابر عوامل فیزیکی، روانی و اجتماعی و خانوادگی و علل رفتارهای نابهنجار و تحلیل مبادی فعل و رفتار آدمی است. بورکس و استفلر (۱۹۷۹) معتقد بودند که یک نظریه مشاوره باید شامل عناصر واقعی زیر باشد:

- ۱- مفروضاتی درباره طبیعت یا ماهیت انسان؛
- ۲- اعتقاد در مورد تغییر رفتار و یادگیری؛
- ۳- تعهد نسبت به اهداف بیان شده مشاوره؛
- ۴- تعریف نقش و کارکرد مشاوره؛
- ۵- شواهد حمایت کننده نگرش.

افزون بر این، بهنجاری یا نابهنجاری، خوب یا بد بودن یک عمل، حسن یا قبیح بودن رفتاری خاص، در بستر فرهنگ و عرف یک جامعه معنی پیدا می کند و دین از اجزاء و ارکان تشکیل دهنده فرهنگ است.

* محمد علی حاجی ده آبادی، محقق دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مدرس دانشگاه.

حساس و سرنوشت آفرین است که می‌توان از فرآیند مشاوره اسلامی نیز سخن گفت. نتیجه آن که لااقل، نظریه مشاوره‌ای می‌تواند از سوی دین نیز ارائه شود مشروط بر این که ارکان لازم برای نظریه را تأمین نماید.

آیا دین، نظام مشاوره‌ای دارد؟

نظیر این سوال، در اکثر حوزه‌های علوم انسانی مطرح است، خصوصاً حوزه‌هایی که پس از انقلاب اسلامی درباره دیدگاه دین درباره آنها سمینارها و کتاب‌هایی تهیه شده است، هر چند برخی یا را فراتر گذاشته و در علوم تجربی طبیعی نیز آن را قابل طرح می‌دانند.

برای یافتن پاسخی مناسب، باید نخست از قلمرو دین و این که دین راجع به چه اموری سخن می‌گوید و در یک کلمه، ماهیت دین، بحث کرد. در اینجا با طیف وسیعی از دیدگاه‌ها مواجهیم که در دو رأس آن دیدگاه حداقلی و دیدگاه حداکثری قرار دارند. برخی معتقدند که دین تنها برای سعادت اخروی سرمایه‌گذاری کرده است و امور دنیایی و آبادانی زندگی این جهانی را به عقول انسان‌ها واگذاشته است:

«رو آوردن به دین نباید برای خوب زندگی کردن و اداره دنیا باشد، ساختن دنیا و اداره درست زندگی فردی و اجتماعی را به اختیار و به عهده خودمان واگذارده‌اند»^(۱).

برخلاف این دیدگاه، سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن به صراحت تمام از اندیشه دینی در همه حوزه‌های بشری سخن می‌گوید: «در این رسالت، شریعتی آمده است که زندگی انسان را از تمام جنبه‌ها مورد توجه قرار داده و برای هر جنبه برنامه‌ای دارد ... و دربردارنده همه نیازهای بشری است»^(۲).

این که کدامیک از این دو نظر بر صواب است یا بیشتر بر صواب است | موضوعی است که در جای دیگر بدان پرداخته‌ایم^(۳)، تنها برای طرح دیدگاه خویش بیان این مهم را ضروری می‌دانیم که انسان عین ارتباط است، موجودی است که در زندگی خویش دائماً در ارتباط با امری زندگی می‌کند، زندگی انسان یک زندگی به تمام معنا ارتباطی است؛ ارتباطی چهارسویه (خدا، جهان، طبیعت، خود و اجتماع) در هر زمان لااقل از دو سو است: ارتباط با خود و ارتباط با خدا، چه هر عملی بازگشتش به خود اوست و در تقرب یا دوری او از خدا و در نتیجه سعادت و کمال یا شقاوت و بدبختی او مؤثر است و اینجاست که گستره هدایت و ضلالت انسان نمودار می‌شود؛ امری که یکسره با دین مرتبط است.

آن چه از متون دینی به دست می‌آید این است که خداوند برای هدایت انسان هاد و منبع فیض و راهگشا قرار داده است؛ عقل و شرع *ان الله على الناس حجتين حجة باطنه و حجة ظاهره ...* این امر مبین آن است که عقل بشر به تنهایی قدرت درک تمام ماهیت انسان و مقصد و نحوه سیر و حرکت مطلوب به سوی آن را ندارد، زیرا شناسایی دقیق مبدا و مقصد و نحوه سلوک و عمل از عناصر و ارکان اصلی هدایت است. با این بیان، نه نقش و جایگاه مکاتب و نظریه‌های مشاوره را انکار می‌کنیم و نه خود را بی‌نیاز از رجوع به دین می‌دانیم^(۴)، هر چند معتقدیم که سهم دین در این میان به مراتب بیش از آن چیزی است که تاکنون تصویر شده است.

از دیدگاه دین، تفاوت‌های فردی بین انسان‌ها امری صدر صد و حتمی است و البته این به معنای تفاوت ماهیت انسانی آنها نیست. از دیدگاه دین، چنان نیست که یک نفر عقل محض باشد، بلکه عقول انسانی درجات و مراتب دارد. مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه «و ان من شيء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم»^(۵) می‌فرماید: این آیه هم به تفاوت‌های فردی افراد اشاره دارد و هم به تفاوت‌های نوعی، بنابراین افراد بشر بی‌نیاز از رجوع به یکدیگر نیستند و در این زمینه استمداد جستن از انسان‌های عاقل، فهیم، مخلص، کارآمد و با تجربه امری است که هر وجدانی به آن شهادت می‌دهد و دین نیز بر آن تأکید ورزیده است. مؤید این مدعا، مجموعه روایات ناظر بر استبداد به رأی و کاستی‌های رأی و نظر انسان‌هایی که از تجربه و آگاهی کافی برخوردار نیستند، می‌باشد؛ اما، چند و چون مشاوره و نکات لازم رعایه اموری است که در گزاره‌های دینی به روشنی به آنها اشاره شده است.

کارکرد مشاوره دینی

یکی از روش‌هایی که می‌توان از آن برای تبیین مفهوم مشاوره و نیز مشاوره دینی استفاده کرد این است که ملاحظه

۱- بازرگان، مهدی، مصاحبه با کبان، شماره ۱۱.

۲- قطب، محمد، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۴۲.

۳- نظام تربیتی اسلام، مؤلف و دیگران، بخش ۲، دین و تربیت.

۴- خصوصاً توجه داشته باشیم که هر یک از صاحب نظران به عاملی مهم توجه کرده‌اند و همه عوامل را لحاظ نکرده‌اند.

۵- سوره حجر، آیه ۲۱.

کنیم که مشاوره دینی چه اموری هست و چه اموری نیست و به عبارتی، کارکردهای مورد انتظار مشاوره از نگاه دین را جویا شویم. برای این منظور فهرستی از موارد را متذکر می‌شویم:

الف: مشاوره دینی هدایت‌گری است

در نگاه دین، انسان از سویی با دشمنی قسم خورده مواجه است که هر زمان طرح فریب و گمراهی او را می‌ریزد و به امید اغواء او به انتظار و کمین نشسته است و از سوی دیگر با نفسی مشحون از گرایش‌های متضاد که بخشی از آنها او را به انجام اعمال سوء می‌کشاند، سرشته شده است و از بعد دیگر گم‌گشته‌ای دارد و مسیر کمالی که باید آن را طی کند و به کمال‌نهایی خویش برسد، اما خود به تنهایی از عهده این مهم بر نمی‌آید و نیازمند هدایت است.

از منظر روایات، مشاوره عین هدایت است و مشاور کسی است که کار هدایت مراجع را بر عهده دارد: «الاستشارة عین الهدایه»^(۱).

هدایت به دو معنا آمده است:

۱- ارائه طریق؛

۲- الا یصل الی المطلوب (رساندن به هدف)^(۲).

از این رو، طرح این سوال منطقی است که کدام یک از این دو معنا مدنظر است؟ اگر هدایت در روایت به معنای ارائه طریق باشد، نقش مشاور فقط ارائه راه و مقصد و نحوه حرکت به سوی آن است. اما در فرض دوم، مشاور نقشی بس وسیع‌تر بر عهده دارد. افزون بر این، اگر مشاوره عین هدایت است پس با راهنمایی (به معنای اصطلاحی) و تربیت چه تفاوتی دارد؟ زیرا کار مربی نیز هدایت‌گری است. آن چه به اجمال و با توجه به معنای واژه تربیت می‌توان گفت این است که در تربیت، استمرار و تدریج و گستردگی (به لحاظ موضوع و زمان لازم) نهفته است^(۳) و عملی مقطعی نیست اما مشاوره لزوماً استمرار و تدریج را لازم ندارد؛ گاه انسان با گفتگو و نشستی چند دقیقه‌ای با خردمندی، طریق مواجهه با مشکل خویش را می‌یابد اما تربیت با یک روز و چند روز میسر نمی‌گردد. احتمال دیگر آن است که مشاوره یکی از روش‌های تربیت باشد. در هر حال ماهیت این دو از هم متمایز است. در تفاوت بین راهنمایی و مشاوره نیز می‌توان گفت که در راهنمایی لزوماً فردی که مورد راهنمایی قرار می‌گیرد مشکل و معضلی ندارد و چه بسا شخصاً به راهنما مراجعه نکند اما در مشاوره، قطعاً مشورت‌کننده از معضل و مشکلی برخوردار است (یک نمونه آن این است که رأی خود

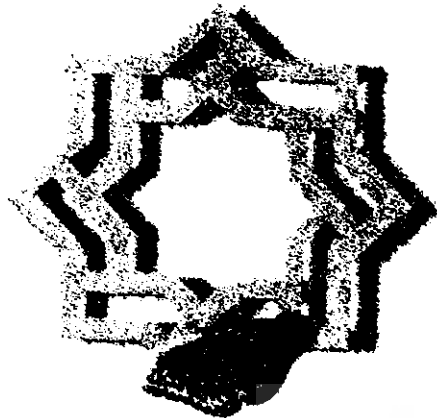
مراجع مشحون با هوی و هوس است که در روایات نیز بدان اشاره شده است).

ب: مشاوره دینی فراهم کردن زمینه رشد فرد است

از کارکردهای دیگری که برای مشاوره در دین بیان شده

است، این که مشاوره زمینه رشد فرد را فراهم می‌آورد.

ما من رجل یشاور احداً الا هدی الی الرشد^(۴).



۱- بحار، ج ۷۵، ص ۱۰۴. ۲- المیزان، طباطبایی، محمد حسین، ج ۱.

۳- التریب: انشاء النبی حالا فی حیر لا الی حدالنام، رک: مفردات راغب.

۴- به نقل از میزان الحکمه، شماره ۹۸۵۵.

ما مشاور قوم الاهدوا الی رشدهم^(۱).

آن چه از این دو روایت و روایات مشابه آن فهم می شود این که هدایت به معنای ارائه طریق در مشاوره مدنظر است. این مشاور نیست که فرد را به رشد می رساند بلکه کار او فقط ارایه راه و طریق است و این خود مراجعان هستند که با به کار بستن راهنمایی و توصیه مشاور به رشد می رسند، اگر جز این بود تعبیر «هدی الی الرشده» مناسب به نظر نمی رسد. مؤید این معنا، روایات دیگری است که رشد را به خود فرد مراجع نسبت می دهد: «شاور فی امورک الذین یخشون الله ترشد»^(۲).

با توجه به اطلاق «رشد» و «هدایت»، می توان گفت که مشاوره دینی اختصاص به مسایل دینی صرف ندارد، بلکه همه اموری که به رشد انسان مربوط می شود را در بر می گیرد. البته این که آیا معنای رشد در روایات همان چیزی است که در روان شناسی بیان می شود، موضوعی است که خود تحقیق جداگانه ای می طلبد.

ج - مشاوره دینی ایمن سازی فرد است

نقش پیشگیرانه و بازدارنده مشاوره، کارکرد دیگری است که دین برای مشاوره لحاظ می کند. ساختار وجودی انسان به گونه ای است که همواره در معرض انحراف و انحطاط قرار دارد، هوی و هوس های درونی که در قالب نفس اماره اجازه بروز می یابند، عقل و قلب فرد را می پوشانند و او را از راهنمایی حجت باطنی خود و نیز پذیرش حجت ظاهری او باز می دارند و به هر میزان که جولان بیشتری برای هوی و هوس ها و نفس اماره باشد، اطمینان و آرامش و لوازمی نفس کاهش می یابد. پس باید اندیشه ای کرد و نفس را از این مهلکه نجات داد. از جمله این تدابیر مشاوره است. مشاوره با افراد عاقل، خبیر و پارسا انسان را از خطر گمراهی و سقوط ایمن می سازد:

شاور ذوی العقول تأمن الزلل و الذدم^(۳).

المستشیر متحصن من السقط^(۴).

ما ضل من استشار^(۵).

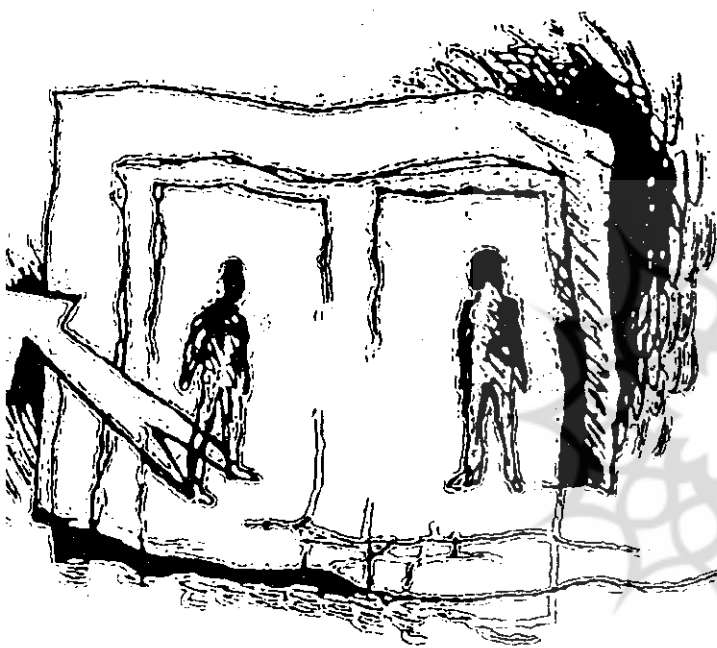
د - مشاوره دینی معرفت بخش است

در متون دینی ما، انسان موجودی انتخاب گر و گزینش گر معرفی شده است، انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً^(۶). لازمه انتخاب گری آن است که انسان از دو عنصر آگاهی و قدرت برخوردار باشد، زیرا انسان هنگامی فعلی را اختیار می کند که نسبت به آن معرفت و آگاهی داشته باشد و علاوه بر این، قدرت انجام فعل و ترک آن را نیز داشته باشد. البته همه

افعال انسان اختیاری نیست، انسان دارای افعال غریزی نیز می باشد ولی وسعت و شمول دایره افعال اختیاری انسان هرگز قابل مقایسه با افعال غریزی (معدود) او نیست.

در هر صورت، انسان به لحاظ همین ویژگی مسؤول شناخته شده و مسؤولیت دارد. حتی به هنگامی که با دیگری مشورت می کند باز این خود او است که مسؤول است چرا که خود باید تصمیم بر انجام یا ترک عملی بگیرد^(۷).

نقش مشاوره تنها در این است که معرفت ها و بینش های لازم برای انتخاب و تصمیم او را فراهم می سازد و هر چه این معرفت و آگاهی دقیق تر و صحیح تر باشد، مراجع را بیشتر به صواب می کشاند.



«قال الصادق علیه السلام: و فی المشورة اکتساب العلم و العاقل ما یتفید منها علماً جدیداً و یتدل به علی الحصول من المراد»^(۸). از دیدگاه دین، جهل، منشأ بسیاری از کجروی ها، خطاها و گناهان است و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی در المیزان هیچ گناه و خطایی نیست مگر این که فاعل آن به هنگام ارتکاب در غفلت یا جهل به سر می برد.

۱ - بحار، ج ۷۸، ص ۱۰۵. ۲ - غرر الحکم، ۵۷۵۶.

۳ - غرر الحکم، ۵۷۵۵. ۴ - غرر الحکم، ۱۲۰۷.

۵ - غرر الحکم، ۹۴۵۴. ۶ - سوره انسان، آیه ۲.

۷ - توجه شود که در آیات و روایات عزم و تصمیم را به خود مراجع نسبت داده اند.

۸ - غرر الحکم، ۴۷۶۷.

لذا برای مشورت نباید به سراغ جاهلان رفت چرا که مایه هلاکت انسان است.

از این رو، یکی از ویژگی‌های مشاور دینی، علم و آگاهی است و از مشورت با انسان جاهل و کسی که حظی از علم ندارد، بایستی اجتناب کرده، ولو این که او دوست نزدیک ما باشد.

البته باید توجه داشت که این معرفت بخشی باید به شیوه‌ای باشد که خود فرد به آگاهی و معرفت برسد نه این که صرف ارائه و انتقال اطلاعات باشد. معرفت بخشی به شیوه‌ای مورد پسند دین است که خود مراجع شخصاً به باور و یقین برسد.

هـ- مشاوره دینی آرامش بخش است

در نظریه اسلامی، انسان موجودی شتاب‌گر و آزمند معرفی شده است «خلق الانسان من عجل، کان الانسان هلو عا». این امر فی نفسه خصلتی سوء نیست، بلکه به کمک این ویژگی است که انسان در کارهای خیر و نیک از دیگران پیشی می‌گیرد و در مسابقه، زودتر به مقام قرب الهی می‌رسد. به عبارت دیگر، آن چه متصف به حسن یا قبح می‌شود به لحاظی متعلق این ویژگی است و به همین دلیل، اگر انسان بدون آگاهی و بصیرت حرکت کند، در تشخیص این متعلق به خطا می‌رود و نتیجه این خطا، دلهره، اضطراب و نیز افسردگی‌ها و پریشانی است؛ چه، به آن چه می‌خواهد نمی‌رسد (ناکامی) و به آن چه می‌رسد نیز قانع و راضی نمی‌شود و نیروی خویش را نیز مصرف شده و بی‌فایده می‌بیند. در این میان، وسوسه‌های شیطان و نفس اماره نیز او را تنها نمی‌گذارد. حال تصور کنید انسانی که در این بحران گرفتار آمده است چه وضعیتی دارد. اینجاست که نقش مشاوره روشن می‌شود. با مشاوره است که انسان به یقین می‌رسد و بصیرتی واقعی پیدا می‌کند و این امر به نوبه خود، نه تنها اضطراب و تزلزل درونی وی را کاهش می‌دهد بلکه روان و روح او را نیز پویا و شاداب و پر نشاط می‌سازد (امری که خود، زمینه و عامل مهمی در شکوفایی فرد است). از این رو، «المشاورة راحة لك»^(۱).

نکته قابل توجه این که برای حصول هر چه بیشتر این طمأنینه و آرامش، روایات بر این نکته تأکید دارند که با کسی مشورت کنید که خودتان اعتقاد قلبی به توانایی او دارید و عقلتان نقش او را تصدیق می‌کند و با کسی که مشهور به تدبیر و پارسایی و صاحب نظر است اما عقلتان آن را تصدیق نمی‌کند، مشورت نکنید.

«قال الصادق علیه السلام: ولا تشاور من لا یصدقه عقلک و ان کان مشهوراً بالعقل و الورع»^(۲).

کارکردهای ظریف و کارگشای دیگری نیز می‌توان از تحلیل گزاره‌های دینی استنباط کرد که به لحاظ اختصار از بیان آنها صرف نظر می‌کنیم اما لازم است به چند نکته مهم در این مبحث اشاره کنیم:

نکات مهم

اولین نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم این که عنوان هدایت و رشد، معانی وسیعی را در خود جای می‌دهد که از جمله آنها می‌توان خودشکوفایی، تعالی بخشی و دست یافتن به معنای صحیح زندگی را نام برد. به عبارت دیگر، این دو واژه جامع مفاهیم و معانی است که درباره مشاوره بیان شده است.

نکته دیگر این که مشاوره واجد دو جنبه است. جنبه نخست آن تسهیل‌کنندگی است؛ زیرا، مراجع، زمینه‌ها و عوامل رشد و تعالی خویش را می‌یابد و جنبه دیگر آن پیشگیری و بازداری است، زیرا مراجع از خطر سقوط و انحراف‌هایی می‌یابد. به لحاظ همین دو جنبه است که مشاوره در هر حال یک رابطه کمکی است که گاه از آن به بهترین رابطه کمکی تعبیر شده است:

«المشاورة استظهار»^(۳).

«نعم المظاهرة المشاورة»^(۴).

«لامظاهرة اوثق من المشاورة»^(۵).

نکته سوم این که مشاوره هرگز به معنای عدم توکل به خدا و یا عدم اعتماد به نفس نیست (یکی از مباحثی که باید در باب مشاوره دینی بدان پرداخته شود رابطه توکل، مشورت و اعتماد به نفس است)، بلکه انسان باید هم از مشورت مدد جوید و هم بر نفس خویش (توانایی خود در انجام کارها پس از تحصیل آگاهی و بینش) اعتماد کند و هم متوجه این نکته باشد که در هر حال همه امور هستی به دست اوست و از این رو، با توکل به او دست به انجام کاری بزنند. این سه مطلب در آیه شریفه «وشاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله»^(۶) جمع شده است.



۱- غررالحکم، ۱۸۵۷. ۲- بحار، ج ۷۵، ص ۱۰۴.

۳- غررالحکم، ۱۸۱. ۴- غررالحکم، ۹۸۸۸.

۵- بحار، ج ۷۵، ص ۱۰۰. ۶- آل عمران، آیه ۱۵۹.